

نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان

محمد یعقوبی^۱

محمود علمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۱/۱۸

چکیده

هدف کلی این تحقیق تعیین عوامل اجتماعی و خانوادگی مرتبط با بازگشت مجدد زندانیان به زندان تبریز می‌باشد. جامعه آماری در تحقیق حاضر کلیه زندانیانی می‌باشند که بیش از یک بار با ارتکاب جرایم به زندان تبریز معرفی و تعداد آن‌ها ۱۶۰ نفر می‌باشد و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان برابر ۱۲۰ نفر تعیین گردیده است. نمونه‌های تحقیق با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شدند. در مطالعه حاضر از روش تحقیق پیمایش مقطعی استفاده شده است. تحقیق حاضر از نظر شیوه گردآوری اطلاعات جزء روش‌های تحقیق پیمایشی محسوب می‌شود. برای گردآوری مطالب از کتاب و مقاله استفاده شده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. در این تحقیق بین میزان پذیرش جامعه و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد، بین میزان پذیرش خانواده و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد، بین میزان مهارت شغلی با میزان بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد و در نهایت بین میزان برچسب‌زنی با میزان بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد. نتیجه این تحقیق نشان‌دهنده آن است که زندانیان آزاد شده هر چه قدر تحت حمایت و توجه خانواده‌ها و مورد پذیرش جامعه و بدون هر گونه برچسب با مهارت شغلی مناسب در اجتماع حضور معناداری داشته باشند احتمال بازگشت مجدد آن‌ها به زندان کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: زندان، جرم، مجرم، تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان.

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی؛ تبریز- ایران.

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی؛ تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

جرم پدیده‌ای جهانی محسوب می‌شود، اگر چه نوع و میزان آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. کسانی که گرفتار بزهکاری و جرم می‌شوند در اکثریت موارد فرمت‌های جبران‌ناپذیر را از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و ... از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آن‌ها تاثیر فراوان می‌گذارد و این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه و خانواده طرد می‌شوند و امکان بازگشت آن‌ها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود و هم‌چنین این مسئله از لحاظ هزینه، وقت و نیرویی که جامعه صرف آن می‌کند نیز اهمیت زیادی دارد. کانون اصلاح و تربیت، کانون‌های کارآموزی، نیروی انتظامی، دادگاه‌های مختلف زندان‌ها و ... هزینه‌های مربوط به آن‌ها باری بر دوش جامعه است. در صورتی که راه‌های پیشگیری این معضل شناخته شود و از اکثریت آن کاسته شود، قسمت اعظم این بودجه و نیروی انسانی صرف شده را می‌توان صرف آموزش و پرورش و تربیت عملی و علمی این قبیل افراد کرد که سرمایه‌گذاری بسیار خوبی برای آینده آن‌ها، دیگران و جامعه خواهد بود ولی آمار و اطلاعات نشان می‌دهد اکثریت افرادی که یکبار زندانی می‌شوند، بازگشت آن‌ها به جامعه مشکل شده و مجدداً دچار بزهکاری شده و به زندان باز می‌گردند. در این تحقیق می‌خواهیم عمده‌ترین عوامل موثر در بازگشت مددجویان به زندان را مورد بررسی علمی قرار داده تا از این طریق مسئله بسیار مهمی بازشناخته شده و از میزان بازگشت مجدد مددجویان به زندان کاسته شود. روشن است که افرادی که قوانین و هنجارهای جامعه را زیر پا می‌گذارند طبق مجازات پیش‌بینی شده در این قوانین روانه زندان می‌گردند، ذکر این مساله ضروری است که آیا هدف، نگهداری بزهکاران در محیط بسته و محدودی به نام زندان است که راهبردش فقط محدود کردن آن‌ها از حقوق شهروندی و آزادی‌های رایج در جامعه است یا این که هدف، مبتنی بر اصولی جهت اصلاح و تربیت زندانیان و تغییر در تفکر و نگرش آن‌ها نسبت به قوانین حاکم بر جامعه و بازگشت مجدد آن‌ها به جامعه است. هدف یک نظام زندانبانی مبتنی بر رویکرد اصلاحی و تربیتی است تا ضمن جلوگیری از تحمل مشکلات روانی اجتماعی به آن‌ها زمینه بازگشت مجرمان را به جامعه فراهم آورد.

برنامه‌هایی که می‌تواند در اصلاح و تربیت زندانیان و نو توانی آن‌ها دخیل باشد، افزایش و ارتقاء سطح دانش، مهارت‌های فردی و اجتماعی، حرفه‌آموزی، تخصص، آگاهی و بینش نسبت به شخصیت و نفس خود و برقراری رابطه سالم با خود و محیط پیرامون، خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، می‌باشد. بزهکاری که دچار تحول شخصیت شده و اندیشه و تفکر او معنوی و سازنده گردد، بدون شک به سوی زندگی اجتماعی گرایش می‌یابد (شمس، ۱۳۸۲: ۱۳۱). از جمله عوامل عمده‌ای که می‌تواند در بازپروری و بازسازی شخصیت و تفکر و نگرش زندانیان نسبت به جامعه پیرامون، خانواده و ... موثر باشد. نیروی انسانی کارآمد جهت برقراری ارتباط متقابل زندانی با محیط بیرون، خانواده و جامعه، مراقبت بعد از خروج،

عفو و بخشودگی، مرخصی، اشتغال به کار زندانیان، حمایت مالی و شغلی پس از آزادی از زندان، نوع برخورد اطرافیان و حذف برچسب اجتماعی می‌باشد(همان). با توجه به علل و عوامل گوناگون و موثر بر بازگشت زندانیان به جامعه و اهمیت این مساله، اصول و راهبردی بسیار کلان را نسبت به امر اصلاح و تربیت و الگوهای پیشرفته بازگشت سعادت‌مندان زندانیان را مورد بررسی قرار می‌دهیم، به شکلی که تصویر کلی از برنامه‌های مورد نظر خود را ارائه داده باشیم. بدون شک تدوین یک ساختار تشکیلاتی زندانبانی جهت ایجاد زمینه لازم برای افزایش امید به بازگشت در میان زندانیان متضمن مباحث بسیار متنوع و گوناگون اداری، نیروی انسانی، مراکز نگهداری مجرمان، شکل‌های آن‌ها، برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، شیوه اجرای آن‌ها و از همه مهم‌تر، ویژگی‌های فردی اجتماعی و شخصیتی افراد است، به همین منظور برآنیم تا علل و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی که بر امید به بازگشت زندانیان به جامعه موثر می‌باشند را شناسایی و با ارائه راهکارهای علمی و کاربردی زمینه لازم را جهت بالا بردن امید به بازگشت زندانیان به جامعه را فراهم آوریم.

نقش مراکز مراقبت پس از خروج زندانیان در پیشگیری از تکرار جرم از این جهت مهم است که زندانیان پس از آزادی با مشکلات زیادی رو به رو می‌شوند. عدم توجه خانواده در حمایت از زندانیان آزاد شده یا ناتوانی در حمایت از آنان، طرد و اخراج از محل کار و محیط‌های مناسب دیگر، عدم توفیق در یافتن شغل مناسب و بسیاری از معضلات دیگر سبب می‌شود که زندانیان موقعیت اجتماعی، شغلی و اقتصادی سابق خود را از دست بدهند و از همین رو اغلب آنان به ارتکاب مجدد جرم و پناه بردن به محیط‌های نامناسب و دوستان ناباب روی می‌آورند. قطعاً وجود یک موسسه پس از تحمل حبس که آنان را مورد حمایت و مراقبت قرار دهد، بسیاری از معضلات ذکر شده را رفع خواهد کرد. بنابراین در نظام‌های زندانبانی برای اثربخشی برنامه‌های اصلاحی، اصل مداخله تعقیبی پس از آزادی از زندان پذیرفته شده است. به همین منظور راه‌اندازی مراکز مراقبت بعد از خروج به صورت یک نهاد رسمی و اجتماعی و ارائه خدمات و حمایت‌های لازم به مددجویان از سوی این مراکز گام مثبتی برای زندانبانی نوین محسوب می‌شود. در ایران آمار خروج از زندان در طی یک سال در حدود ۹۰ درصد است. جز محکومین به قصاص نفس، بقیه زندانیان در طی ماه‌ها و سال‌ها از زندان خارج می‌شوند. به عنوان مثال در استان تهران به علت مدت کوتاه حبس در اکثر موارد به طور متوسط زندانیان قریب ۹۰ روز در زندان می‌مانند. با توجه به این جریان دایمی اجتماع زندان و نرخ بازگشت مجدد به زندان که حدود ۳۳ درصد و اغلب در جرایم مربوط به مواد مخدر و سرقت است، جلوگیری از بازگشت مجدد زندانیان از اولویت‌های مهم اصلاحی و تربیتی محسوب می‌شود. در زندان تبریز در طی سال ۹۳ نزدیک به ۱۱۴۰۰ نفر از زندان آزاد شده‌اند. در کشور بر اساس آمار سال ۱۳۹۳ تعداد ۴۱۷۹۲۲ نفر از زندان آزاد شده‌اند. نرخ بازگشت به زندان در ایران در طی یک سال نخست پس از آزادی، نزدیک به ۳۰ درصد است که علت آن مدت کوتاه حبس، تکرار جرایم در مورد مواد مخدر و سرقت و این‌که یک نفر در یک سال ممکن است ۲ تا ۴ بار زندانی شود، می

باشد. مطابق بررسی‌ها یک زندانی حداقل در روز ۵۵۰۰۰ ریال هزینه دارد. این هزینه مربوط به هزینه‌های مستقیم است و هزینه‌های غیرمستقیم و هزینه‌های جامعه در آن لحاظ نشده است. هر بار ورود به زندان برای یک زندانی هزینه‌های زیادی دربردارد که در طی روزهای باقی‌مانده از حبس، هزینه‌ها کمتر می‌شوند. به عبارت دیگر اهمیت مالی روزهای اول بیشتر از روزهای باقی‌مانده حبس است. نظارت بر بزهداران پس از آزادی از زندان سطح امنیت اجتماعی را بالا می‌برد. در عمل افرادی که پس از آزادی به مراکز مراقبت مراجعه می‌کنند و از خدمات آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، نرخ بازگشت مجدد به زندان در آنان پایین‌تر است. صرف نظر از علل ذکر شده، نرخ بازگشت به زندان براساس برآوردها ۲۵ تا ۳۵ درصد است در حالی که این میزان نزد مددجویان مراجعه کننده به مراکز مراقبت ۱ تا ۳ درصد برآورد شده است که بسیار کمتر از مددجویانی است که تحت مراقبت نبوده‌اند. نقش مراکز مراقبت در اصلاح و تربیت مددجویان زمانی که شخص مرتکب عمل خلافی می‌شود جرم‌شناس، روان‌شناس و جامعه‌شناس سعی می‌کنند تا با تمرکز بر شخصیت مجرم به تدریج تغییری در عملکرد و زندگی آینده مجرم ایجاد کنند. مطالعات علمی مرتبط با جرم شخصیت، مجرم را مورد کالبد شکافی قرار می‌دهد تا آن چه را که مسئولیت اخلاقی وی را تضعیف کرده شناسایی کرده، وی را به جامعه و زندگی اجتماعی بازگرداند. از این رو وضع جسمانی، روانی، هوش، سوابق بیماری، ناکامی‌ها، وضع اقتصادی، نقش رسانه‌ها و وضعیت اجتماعی و فرهنگی که مجرم را احاطه کرده‌اند مد نظر قرار می‌دهد تا از این رهگذر عوامل موثر بر ارتکاب جرم کشف و بررسی شوند. رسالت و وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تامین اجتماعی و بهداشت روانی، آموزش و نیز آماده‌سازی مددجویان جهت بازگشت مجدد به جامعه، کسب معاش و تقویت اراده زندانیان برای جلوگیری از تکرار جرم از جمله است. با توجه به دیدگاه منفی مردم نسبت به زندانیان، معمولاً زندانی پس از بازگشت از زندان به علت حس بدبینی موجود در جامعه، به آسانی در میان گروه‌های اجتماعی و کاری پذیرفته نمی‌شود و صاحبان مشاغل حاضر به ارجاع کار به این افراد نیستند. این سوء پیشینه از موانع مهم عدم اشتغال مجدد زندانیان و عامل سرخوردگی اجتماعی و نیز عامل تمایل مجدد آنان به ارتکاب جرم است. حس انتقام‌جویی از اجتماع به علت طرد کردن این افراد نیز به عوامل فوق اضافه می‌شود. بنابراین مجرمان پس از ترخیص از زندان نیاز به پشتیبانی و حمایت‌های سازمان یافته‌ای دارند تا دوباره به سمت جرم کشیده نشوند. این سازمان‌ها که مسئولیت اصلاح و حمایت از زندانی آزاد شده و ارائه امکانات و تسهیلات به وی را دارند با عنوان مراکز مراقبت پس از خروج به انجام این وظایف می‌پردازند. جلسات منظم هفتگی، جلسات تحلیل مساله، جلسات بررسی موردی، آموزش از طریق فیلم، اینترنت، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی، تغییر در مقاطع تحصیلی مددکاران و اخذ مدارک بالاتر، برنامه‌های آموزشی، دوره‌های کوتاه‌مدت بازدید از مراکز مختلف مشابه در کشورهای مختلف و ... از جمله روش‌هایی است که می‌تواند مرکز مراقبت بعد از خروج را به توفیقات بیشتر برساند و کارایی

آن را در حد چشمگیری افزایش دهد. حبس افراد، هزینه‌های هنگفتی در نگهداری و زندانی کردن‌شان به بودجه عمومی تحمیل می‌کند. این‌ها هزینه‌های آشکاری است که قابل توجه و مشهود است. هزینه‌های فراوان پنهان نیز در این جریان از دست می‌رود. برای مثال وقتی یک نیروی انسانی که می‌تواند منشاء خدمات تولیدی و توسعه‌ای باشد، با ارتکاب جرم و گرایش به انجام بزه به فردی عاطل و باطل و مخل رفتارها و روابط اجتماعی تبدیل می‌شود. جامعه از فوایدی که می‌توانست از طریق وی به دست بیاورد، بهره‌مند نمی‌شود. هزینه‌های زیادی صرف می‌شود تا نیروی پلیس و دستگاه قضایی این افراد را تحت کنترل خود درآورند. ساعت‌های متمادی و روزهای پیاپی صرف می‌شود تا پرونده‌های مجرمین در دادگاه‌ها، به نوبت مورد بررسی قرار گیرند. انرژی انسانی فراوانی در یافتن راه‌های مقابله با بزهکاران مصرف می‌شود. در واقع نظام گسترده‌ای در یک جامعه هماهنگ و درکنار یکدیگر بسیج می‌شوند تا مانع ارتکاب جرم شوند و یا آن را کنترل کنند. در واقع می‌توان گفت به جای آن‌که این نیروها در جهت توسعه جامعه صرف شوند در مسیر باز داشتن مجرمین از ارتکاب جرم صرف می‌شوند بدیهی است. در جامعه در حال توسعه مانند ایران، به کارگیری نیروهای انسانی در جهت توسعه کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین دلیل، لازم است طرح‌هایی اجرا شوند که بر اساس آن‌ها مجرمین ضمن تغییر رفتار و تبدیل شدن به افرادی سالم و سازگار با جامعه، به نیروی تولیدگر و خلاق نیز بدل شود و بتوانند در مسیر توسعه کشور مفید واقع شوند. ارائه خدمات به مددجویان از سوی مراکز مراقبت بعد از خروج به منظور پیشگیری از جرم زمانی موثر است که شناسایی افراد واجد شرایط به درستی و با ابزارهای مناسب انجام شود. بر اساس ماده یک آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از تکرار جرم از طریق حمایت مادی و معنوی و فراهم کردن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی به این مراکز محول شده است. همچنین در ماده ۳ این آیین‌نامه، اهم وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج مشخص شده است. از جمله وظایف این مراکز ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تامین مسکن، اعطای تسهیلات بانکی و ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزشی، بهداشت و درمان، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و مذهبی می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف کلی

تعیین عوامل اجتماعی و خانوادگی مرتبط با بازگشت مجدد زندانیان زندان تبریز به زندان.

اهداف اختصاصی

- تعیین رابطه بین میزان برچسب‌زنی و بازگشت مجدد زندانیان زندان تبریز به زندان
- تعیین رابطه بین میزان پذیرش خانواده و بازگشت مجدد زندانیان زندان تبریز به زندان
- تعیین رابطه بین میزان مهارت شغلی و بازگشت مجدد زندانیان زندان تبریز به زندان

– تعیین رابطه بین میزان پذیرش جامعه بعد از آزادی زندانیان زندان تبریز از زندان.

رویکردهای عمده جامعه‌شناختی در تبیین انحرافات اجتماعی

در مورد تبیین انحرافات اجتماعی در جامعه‌شناسی، رویکردهای مختلفی وجود دارد که در این جا به سه رویکرد عمده اشاره می‌شود:

رویکرد کارکردگرایی

این رویکرد، جامعه را نظامی متشکل از اجزایی سازگار با هم می‌داند و برآن است که ضامن سازگاری میان اجزاء وجود نوعی وفاق در ارزش‌های مشترک است و انحراف در راستای به هم خوردن نظم اجتماعی و به عنوان خطری برای ثبات نظام مورد توجه قرار می‌گیرد. به نظر پارسونز، یک نظام در کلیت خود، اجزای متمایزی دارد که هر یک مکمل دیگری است و در عمل کل نظام سهیم است، چون این اجزا متفاوت، رو به سوی ارزش‌های واحدی دارند، سازگاری میان آن‌ها حاکم است. با وجود این، این امکان وجود دارد که همراه با تغییر نظام، اجزای آن با فرصت‌هایی نابرابر و در جهت‌هایی مختلف حرکت کنند. در نتیجه، کشش‌ها و فشارهایی را نسبت به یکدیگر ایجاد کرده و مشکلاتی را در کار انسجام جامعه پدید آورند. در این میان انحراف پدیده‌ای ناشی از همین نقص در همبستگی است که با نهادها و افرادی که در مسیر پیوستگی با دیگران قرار ندارند، همراه می‌شود. امیل دورکیم نیز با طرح مفهوم همبستگی اجتماعی در جوامع، همبستگی اجتماعی ماشینی در جوامع سنتی و همبستگی اجتماعی ارگانیکی در جوامع مدرن، معتقد است که جامعه و نظم موجود در آن هم بر ابعاد بیرونی رفتار و هم بر خواست‌های درونی افراد حکومت و نه تنها وسایل که غایات کنش انسانی را هم تنظیم می‌کند اما به دنبال به هم خوردن نظم اجتماعی افراد قادر به گسترش خواست‌های خودخواهانه خود می‌شوند. در این وضعیت، حاکمیت جامعه بر خواست‌های فردی تضعیف می‌شود و معیارهایی که آموخته‌اند، موضوعیت نمی‌یابند. پس امیال آنان از کنترل جامعه خارج می‌شود و آنان فرصت می‌یابند تا آن خواسته‌ها را در حدی بیش از امکان ارضای آن بسط دهند، این وضعیت به انحراف می‌انجامد (ورسلی، ۱۳۷۸: ۱۷).

رویکرد تضاد اجتماعی

بر اساس این رویکرد، جامعه مجموعه‌ای از اجزای متکثر و ترکیبی از گروه‌ها و طبقات رقیب و دارای دیدگاه‌های متضاد می‌باشد که قدرت، آن‌ها را در نظمی خاص در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و به این وسیله ثبات اجتماعی تامین می‌شود. در این دیدگاه، ارزش‌های اجتماعی مسلط جنبه سیاسی دارد و امری تحمیلی و

مبتنی بر حيله صاحبان قدرت است و نظم موجود در جامعه هنجاری نیست. به نظر مارکس طبقه‌بندی اجتماعی موجود در درون جامعه، نحوه‌ی توزیع منابع و امتیازات را در میان اعضای جامعه تعیین می‌کند. مبارزه برای توزیع منابع و امتیازات، منبع پدید آمدن تضاد در جامعه می‌شود.

کنش متقابل

این دیدگاه معتقد است که فرد مخلوقی اجتماعی است که در عرصه روابط اجتماعی با دیگران وارد می‌شود و جامعه را درونی می‌سازد. به نظر «مید» رفتار فرد صرفاً از آن دسته هنجارهایی که درونی کرده، نشأت نمی‌گیرد و این امکان همواره وجود دارد که وی به شکلی خود انگیخته و خلاق عمل کند، هم‌چنین مقررات و آموخته‌های هنجاری موجود در جامعه هیچ گاه کامل نیست و نمی‌تواند بر جزئیات رفتار افراد منطبق باشد و در همه حال الگوها و دستورالعمل‌های رفتاری مورد نیاز را در اختیار آنان قرار دهد، بنابراین بخشی از رفتارهای خلاف هنجار با توجه به این خلاء هنجاری یا ناکارآمدی عملی هنجارها تبیین می‌شود (علمی، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۹).

پیشینه تجربی

دلپسند و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و جرم جوانان که پس از مقایسه دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف از حمایت اجتماعی (راتوس و کسلروهلر) و جرم (کنترل اجتماعی هیرشی و فشاراگنیو) با روش پیمایشی به سنجش و مقایسه میزان برخورداری جوانان مجرم و عادی شهر ایلام از حمایت اجتماعی انجام دادند. در این تحقیق، حمایت اجتماعی در ابعاد سه‌گانه حمایت عاطفی، حمایت مادی و حمایت اطلاعاتی در یک نمونه متشکل از ۷ نفر از جوانان مجرم و ۷ نفر از جوانان عادی شهر ایلام بررسی شده است. یافته‌های توصیفی تحقیق بیانگر آن است که میزان برخورداری جوانان عادی در تمام ابعاد حمایت اجتماعی نسبت به جوانان مجرم بیشتر است. یافته‌های استنباطی نیز معنی‌دار بودن این تفاوت را تایید می‌کند. هم‌چنین تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون لوجستیک نشان می‌دهد که سازه نظری حمایت اجتماعی از قدرت تمایز بالایی در تفکیک افراد عادی و مجرم برخوردار است. به عبارت دیگر، با افزایش میزان حمایت اجتماعی، احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان را بررسی نمودند. نمونه آماری ۲۰۰ نفر از زندانیان سابقه‌دار بودند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شده بودند. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در زندان‌ها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات‌دهی موثر به آن‌ها، حذف برچسب رسمی و غیررسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات موثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام موثری انجام داد.

پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷)، بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان، پرداختند. مطالعه آن‌ها نشان داد که بین عوامل فردی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، شغل و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد و همچنین آزمون‌های آماری معتبرگویای این موضوع است که بین میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و عدم پذیرش توسط محیط اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد. به عبارتی دیگر هرچه میزان اعتماد اجتماعی، اعم از پذیرش در خانواده و محیط اجتماعی در پذیرش زندانی بعد از آزادی از زندان کمتر باشد میزان بازگشت مجدد بیشتر خواهد بود، (رابطه معکوس) وجود دارد.

جنگ و جانسون (۲۰۰۳)، در تحقیقی با عنوان "فشار عواطف منفی و تقابل منحرفانه بین سیاه پوستان آمریکایی" نتایج به دست آمده نظریه فشار عمومی اگنیورا در ارتکاب بزهکاری تایید نمود.

کالوین و دیگران (۲۰۰۲)، در تحقیقی با عنوان "اجبار، حمایت اجتماعی و جرم" به این نتیجه رسیده‌اند که اجبار باعث جرم می‌شود و حمایت اجتماعی از آن جلوگیری می‌کند.

یاپاودویلی (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان "نقش حمایت اجتماعی ادراک شده در قربانی جرم شدن" بعد زمانی حمایت اجتماعی یا حمایت اجتماعی ادراک شده را به طور خاص بررسی کرده و آن را به صورت یک منبع پویا و درونی که بر اثر عوامل استرس‌زای شدید ممکن است تحلیل رود، مفهوم‌سازی کرده است. در مراحل اولیه، حمایت اجتماعی ادراک شده نقش تعدیل‌کننده استرس را ایفا می‌کند، اما با افزایش تعداد یا شدیدتر شدن عوامل استرس‌زا نقش واسطه بین این عوامل و پریشانی روان‌شناختی را به خود می‌گیرد.

فرضیه‌ها

- بین میزان پذیرش جامعه و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد.
- بین میزان پذیرش خانواده و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد.
- بین میزان مهارت شغلی با میزان بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد.
- بین میزان برچسب زنی با میزان بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

بازگشت مجدد زندانی به زندان

بازگشت به زندان شامل حال افرادی می‌باشد که با حضور طولانی در زندان ارتباط اجتماعی او کاملاً قطع شده و نسبت به تحولات دنیای بیرون ناآشنا می‌ماند و در عوض با محیط دوستان و تحولات درون زندان آشنا شده و به شدت وابسته هنجارهای زندان می‌شود. با طرح این موضوع و واقعیت‌های دیگر که در طول حضور زندانی در زندان بروز می‌کند و به جای این که زندانی در هنگام آزادی شور و اشتیاق و

علاقه خروج از زندان را داشته باشد التهاب و اضطراب ورود به جامعه او را در برمی‌گیرد. برای افرادی که فاقد پشتوانه برای حضور در اجتماع می‌باشند روزهای آخر آزادی با التهاب و اضطراب شدید همراه است چرا که زندانی مرتباً از خود می‌پرسد کجا باید رفت؟ چگونه باید آغاز کرد؟ آیا خانواده و جامعه او را پذیرا هستند؟ برای همین امر است که در زندان‌ها بعضاً به جبر مسئولین زندانی آزاد می‌شود و بسیار وجود دارد افرادی که پس از آزادی از زندان در کمتر از یک هفته و حتی ۴۸ ساعت با ارتکاب جرم ناچیز زمینه حضور خود را در زندان فراهم می‌نماید. بنابراین ضرورت تحت حمایت و پوشش قرار گرفتن زندانیان پس از آزادی واقعیتی انکارناپذیر است. چرا که اگر زندانی پس از آزادی ملجاء حمایتگری در جهت رفع مشکلات معیشتی و ... نداشته باشد. منظور از زندانی بازگشتی، زندانی است که حداقل ۲ بار زندانی شده است یا برای دومین مرتبه به زندان آمده‌اند و در این مطالعه به صورت مستقیم از مجرمین سوال شده است.

بپذیرش جامعه

دریافت حمایت اجتماعی معمولاً به واسطه جامعه‌پذیری به دست می‌آید در نتیجه نتایج سودمندی به دنبال می‌آورد (بخشی‌پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۶). از منظر راتوس می‌توان چنین استدلال نمود که حمایت اجتماعی با کاهش منابع فشار و تعدیل آن‌ها به مثابه یک عامل بازدارنده در برابر آسیب‌های اجتماعی عمل می‌کند.

همیشه آزادی از زندان به معنی مرتفع شدن همه مشکلات و باز شدن درهای آسایش به روی مددجویان نیست. گاهی آزادی از زندان نه تنها پایانی برای مشکلات نیست بلکه شروعی دوباره برای مشکلاتی است که از در و دیوار بر سر مددجوی رها شده از بند آوار می‌شوند و در این میان باید دستی حمایتگر در کار باشد تا تمام روزنه‌ها برای رفتن به سمت کارهای خلاف و بازگشت دوباره به زندان را ببندد. بر این اساس حمایت از زندانیان آزاد شده برای بازگشت به جامعه موضوعی بسیار مهم است که از سوی مسئولان مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به گفته کارشناسان وجود مراکزی به منظور مراقبت مددجویان پس از خروج از زندان می‌تواند نوید بخش روزهایی باشد که کمتر شاهد بازگشت دوباره به زندان باشیم.

متغیر پذیرش جامعه با گویه‌های زیر مورد سنجش قرار گرفت:

- اگر در زندگی مشکلات داشته باشم معمولاً سازمان‌هایی هستند که به من کمک می‌کنند.
- در صورت مواجه شدن با مشکلی، مسئولین ادارات شهر کمک می‌کنند.
- اغلب مسئولین و کارکنان ادارات در شهر به فکر حل مشکل هستند.
- در صورت تقاضای وام از بانک، مسئولین بانک با تقاضای من موافقت می‌کنند.

پذیرش خانواده

از عوامل مهم در کنترل اجتماعی، پیوند بین فرد و خانواده، دوستان و همسایگان است. مساله روابط اجتماعی، خانوادگی، دوستی و به خصوص همسایگی به تجربه و به خاطرات مشترک آن‌ها برمی‌گردد که پیوندهای اجتماعی آن‌ها را قوی‌تر می‌کند. همین پیوندها پیش زمینه تعامل و تکرار تعاملات بین آن‌ها می‌شود. سرمایه اجتماعی از طریق تعامل و الگوهای وابستگی متقابلی ایجاد می‌شود که در بین مردم اتفاق می‌افتد. نتایج آن برای افراد باید از طریق الگوهای تعامل ارزیابی شود.

نقش خانواده در ایجاد انگیزه، بسیار مهم و نافذ است، زیرا انگیزه باعث تصمیم‌گیری‌های موثر در فرد بزهکار می‌شود و در شرایطی که از روحیه کافی برای رسیدن به هدف برخوردار شود، به نحوی مصمم و با پشتکار مضاعف، تلاش می‌کند در مقابل فشارها ایستادگی کند و با مقاومت به هدف پیش‌بینی شده خویش دست یابد.

درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در یک جامعه توسط خانواده. خانواده‌ها با اهتمام به اصول دینی و پایبندی به احکام مذهبی می‌توانند با رشد باورهای مذهبی فرزندان خود، آنان را در برابر آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی واکنش‌کننده کنند.

متغیر پذیرش خانواده با گویه‌های زیر مورد سنجش قرار گرفت:

- معمولاً بیشتر وقت خود را با اعضای خانواده خود سپری می‌کنم.
- پدر و مادرم در بیرون از زندان به من اهمیتی نمی‌دهند.
- در بین اعضای خانواده رابطه‌ام با سایرین صمیمی است.
- در موقع بروز مشکل مالی، سایر اعضای خانواده حمایت می‌کنند.

مهارت شغلی

شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل فرد یا حقوق منظمی انجام می‌شود، یعنی فعالیت فرد در یکی از نهادها و سازمان‌های دولتی یا خصوصی به صورت رسمی، قراردادی یا پیمانی به طوری که فرد درآمد منظم دریافت می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۱۷).

تعداد بیکاران درمیان زندانیان بیش از نسبت مورد انتظار آنان در جامعه است. تحول اصلی در وضعیت شغلی زندانیان را در کسانی می‌توان دید که بیشتر از گروه شغلی مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی و کارکنان مستقل‌اند، زیرا بیش از ۲۵ درصد زندانیانی که حداقل یک بار زندان را تجربه کرده‌اند، بر اثر زندان شغل خود را از دست داده‌اند، اما باید توجه داشت که نسبت حقوق بگیران بخش دولتی ۳۰ درصد از نسبت مورد انتظار است. با این حال، افراد به سوی مزد و حقوق بگیر از بخش خصوصی کشیده می‌شوند که این خود هزینه ارتکاب مجدد جرم را کاهش می‌دهد.

عوامل اصلی موثر در این متغیر مدت حبس، سواد و اشتغال به صورت مزد و حقوق بگیری بخش خصوصی است که با افزایش هر کدام از دفعات از دست دادن شغل بر اثر زندان بیشتر می‌شود. زندان موجب می‌شود که زندانی پس از آزادی به سوی مشاغلی گرایش یابد که حساسیت کمتری در مقابل زندان داشته باشند و همین به معنای کاهش هزینه ارتکاب مجدد جرم است (عبدی، ۱۳۸۱).

افرادی که از زندان آزاد می‌شوند باید تا مدت‌ها وقت خود را صرف حل معضله‌های مختلف بکنند که یکی از آن‌ها مشکلات مالی و اقتصادی است، به طوری که برخی نیز به همین دلیل پای‌شان به داخل زندان باز شده است. البته این آسیب‌شناسی اجتماعی از اشتغال به عنوان یکی از معضله‌های مهم یاد می‌کند و در این باره می‌گوید: دستگاه‌های دولتی نیز برای دادن شغل از همه افراد گواهی سوء پیشینه می‌خواهند و این مانع موجب بیکاری پس از آزادی از زندان می‌شود که فقر و در نهایت بزهکاری را به دنبال دارد. بنابراین توصیه می‌شود که قانونی توسط نمایندگان مجلس نوشته شود که بندهای اصلاحی داشته باشد، مثلاً به فرد آزاد شده از زندان گواهی عدم سوء پیشینه ارائه شود به این شرط که مثلاً اگر در مدت ۵ یا ۱۰ سال جرمی مرتکب نشوند این سوء پیشینه بدون شرط شود.

متغیر مهارت شغلی با گویه‌های زیر مورد سنجش قرار گرفت:

- اگر در زندان حرفه خوبی داشته باشم می‌توانم در بیرون شغل شرافت‌مندان‌ای کسب کنم.
- با مدارک فنی و حرفه‌ای که در زندان گرفتم می‌توانم از وام زندانیان استفاده کرده و شغل مناسبی پیدا کنم.
- حرفه‌آموزی در زندان می‌تواند اشتباه مرا جبران کند.
- با حرفه‌آموزی و اشتغال در بیرون می‌توانم از بیمه عمر استفاده کرده و نگران آینده خود و خانواده نباشم.

برچسب‌زنی

نظریه برچسب به تاثیر عوامل رسمی کنترل اجتماعی تاکید دارد و آن «فرایندی است که بر واکنش‌های دیگران (کسانی که قدرت تعریف رفتار کسی و برچسب زدن به او را دارند) نسبت به افراد یا کنش‌ها و ارزیابی منفی از آن متمرکز است و دو جزء عمده دارد ۱. تعریف کج رفتاری ۲. پیامدهای اعمال کنترل اجتماعی در مورد آنان که کج رفتار تعریف شده‌اند» (سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۷).

استفاده و بهره‌مندی از مواهب و نعمت‌های خداوند و امکانات اجتماعی جزء حقوق اولیه افراد است که تمامی افراد می‌توانند نسبت به امکانات موجود در جوامع از حقوق طبیعی و قانونی خود بهره‌مند شوند. در هر جامعه‌ای معمولاً گروهی از افراد به دلایل مختلف و برای مدتی یا به طور دائم توسط محاکم قضایی از تمام و یا قسمتی از حقوق خود محروم می‌شوند. یکی از عوامل محرومیت، نگهداری اشخاص در مکان‌هایی مانند بازداشتگاه و زندان است. جوامع تعاریف مختلفی از بازداشتگاه و زندان داشته و به اشکال و با شیوه‌های متفاوت اماکنی را برای نگهداری افراد در نظر می‌گیرند. پس واضح است که افراد پس از آزادی از زندان و

مراجعت به جامعه مانند سایر اقشار دارای حق حیات و استفاده از مواهب طبیعی و اجتماعی هستند، با این برداشت بسیاری باورشان بر این امر است که زندانی برای آزادی لحظه شماری می‌نماید و هر دقیقه در التهاب زمان آزادی تصورات و تخیلات گوناگونی داشته و مداوم در حال برنامه‌ریزی برای خروج از زندان است، در حالی که چنین برداشتی فقط بخشی از واقعیت است.

متغیر برجسب زنی با گویه‌های زیر مورد سنجش قرار گرفت:

– سابقه‌دار بودن شخصیت مرا می‌کاهد، لذا هرگز کاری انجام نخواهم داد که به زندان بازگردم.

– مهم‌ترین نگرانی و دغدغه فردی که وارد زندان می‌شود این است که دیگران چه ذهنیتی در مورد او دارند، یک سابقه‌دار نمی‌تواند به کاری مشغول شود و مجبور می‌شود برای تامین زندگی خود به راه‌های نامشروع روی آورد.

– کارفرمایان از پذیرش افراد سابقه‌دار به نوعی خودداری می‌کنند.

روش تحقیق

در مطالعه حاضر از روش تحقیق پیمایش مقطعی استفاده شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در تحقیق حاضر کلیه زندانیانی می‌باشند که بیش از یک بار با ارتکاب جرایم به زندان تبریز معرفی و تعداد آن‌ها ۱۶۰ نفر اعلام شده است. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان برابر ۱۲۰ نفر تعیین گردید. نمونه‌های تحقیق با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شدند.

روش گردآوری اطلاعات

تحقیق حاضر از نظر شیوه گردآوری اطلاعات جزء روش‌های تحقیق پیمایشی محسوب می‌شود. برای گردآوری مطالب از کتاب و مقاله استفاده شده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری در مطالعه حاضر پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از نظریات جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی و جرم‌شناسی بوده است.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

اعتبار ابزار تحقیق از طریق صوری به دست آمد و جهت تعیین پایایی ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج به دست آمده از این آزمون در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون آلفای کرونباخ

میزان پذیرش جامعه	٪۸۲
میزان پذیرش خانواده	٪۷۷
میزان مهارت شغلی	٪۷۵
میزان برچسب‌زنی	٪۶۵

نتایج توصیفی

در مطالعه حاضر میانگین سنی پاسخگویان ۳۷/۶۳ به دست آمد. در این میان جوان‌ترین پاسخگو ۲۰ ساله و مسن‌ترین پاسخگو ۶۵ ساله بوده است. میانگین سابقه محکومیت نمونه‌های تحقیق ۵ سال به دست آمد. در این میان کم سابقه‌ترین نمونه دارای ۱ سال سابقه بوده و با سابقه‌ترین نمونه دارای ۲۰ سال سابقه بود. همچنین بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، ۴۱ درصد از محکومین سابقه احضار به کلاتری نداشتند و در مقابل ۳۸/۵ درصد بیش از یک بار سابقه احضار به کلاتری داشتند. طبق نتایج مطالعه حاضر، بیشترین جرم‌ها با ۷۷/۸ درصد متعلق به مجرمان اجتماعی (دعوا و نزاع، سرقت، مواد مخدر و مشروبات، مزاحمت‌های خیابانی، تخلفات رانندگی، تصادف و ...)، ۲۰/۵ درصد مربوط به جرم‌های اقتصادی (چک بی‌محل، کلاهبرداری، بدهکاری، مهریه و ...) و ۱/۷ درصد متعلق به جرم‌های جنسی (رابطه نامشروع، مزاحمت جنسی و ...) بوده است. میانگین برخورداری از پذیرش جامعه پاسخگویان ۳۷/۶ درصد به دست آمد. در این میان کمترین میزان بهره‌مندی از پذیرش جامعه صفر و بالاترین میزان بهره‌مندی از حمایت جامعه ۹۳/۷۵ درصد به دست آمد. میانگین بهره‌مندی از حمایت و پذیرش خانواده در مطالعه حاضر ۶۲/۲۱ درصد به دست آمد. در این میان کمترین میزان بهره‌مندی ۱۶/۶۷ درصد بوده و بیشترین میزان بهره‌مندی ۱۰۰ درصد بوده است. ۷۴/۷۸ درصد از نمونه‌های مطالعه حاضر دارای مهارت‌های شغلی بودند و کمترین میزان برخورداری از مهارت شغلی ۲۵ درصد بوده است. میانگین برچسب در بین پاسخگویان ۷۶/۷۹ درصد به دست آمد. در این میان حداقل میانگین برچسب ۴۰ درصد و حداکثر آن ۱۰۰ درصد بوده است. برای مجموعه عوامل (برچسب، مهارت‌های شغلی، پذیرش خانواده و پذیرش جامعه) میانگین ۶۳/۵۱ درصد به دست آمد.

نتایج تحلیلی

جهت آزمون رابطه بین عوامل اجتماعی، خانوادگی و بازگشت مجدد زندانی به زندان، از همبستگی پیرسون استفاده گردید. سطح معناداری ۰/۰۰۵ با ضریب همبستگی ۰/۲۳۶- به دست آمد. بنابراین بین عوامل اجتماعی (برچسب، مهارت‌های شغلی، پذیرش خانواده و پذیرش جامعه) رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

جهت آزمون رابطه پذیرش جامعه و بازگشت مجدد به زندان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس نتایج آزمون سطح معناداری $0/05$ با همبستگی $0/147$ به دست آمد. بنابراین بین میزان پذیرش جامعه و بازگشت مجدد به زندان زندانیان رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

جهت آزمون رابطه پذیرش خانواده و بازگشت مجدد به زندان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس نتایج آزمون سطح معناداری $0/000$ با همبستگی $0/317$ به دست آمد. بنابراین بین میزان پذیرش خانواده و بازگشت مجدد به زندان زندانیان رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

جهت آزمون رابطه مهارت‌های شغلی و بازگشت مجدد به زندان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس نتایج آزمون سطح معناداری $0/48$ به دست آمد. بنابراین بین میزان مهارت‌های شغلی و بازگشت مجدد به زندان زندانیان رابطه معنادار وجود ندارد.

جهت آزمون رابطه میزان برچسب‌زنی و بازگشت مجدد به زندان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس نتایج آزمون سطح معناداری $0/21$ به دست آمد. بنابراین بین میزان برچسب‌زنی و بازگشت مجدد به زندان زندانیان رابطه معنادار وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

جرم یک پدیده اجتماعی است که آثار منفی اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد. مثلاً یادگیری و آشنایی با جرایم جدید در زندان، فرد را در اجرای جرایم قبلی با تجربه می‌کند و بر شدت و تکرار جرایم بعدی و زندانی شدن تاثیرگذار است. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که تعداد مجردان زندانی بیشتر از متاهلان بوده است، یعنی احتمال ارتکاب مجدد جرم در افراد مجرد و بازگشت آن‌ها به زندان نسبت به افراد متاهل بیشتر بوده است و یا به عبارت دیگر می‌توان این گونه توجیح نمود که مجرد بودن باعث کاهش وابستگی عاطفی و تعلق خاطر فرد نسبت به خانواده و جامعه شده و این موجب می‌شود خود را در ارتکاب جرم آزاد بداند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که افراد مجرد بیشتر از افراد متاهل تمایل به ارتکاب جرم دارند زیرا به واسطه تضعیف پیوندشان با خانواده و جامعه از احساس پاسخگویی به انتظارات دیگران سرباز می‌زنند و مرتکب کج رفتاری می‌شوند. بر اساس نتایج این مطالعه تحصیلات والدین اکثر زندانیان مورد مطالعه کمتر از سیکل بود و همچنین در افرادی که تحصیلات والدین آن‌ها بیشتر از سیکل بوده احتمال ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان کمتر بوده این روابط در مورد تحصیلات مادر از نظر آماری معنادار، اما در مورد تحصیلات پدر از نظر آماری معنادار نبود لذا در توجیح این یافته می‌توان به این موضوع اشاره کرد که افراد مهارت‌های زندگی، رشد اجتماعی و جامعه‌پذیری را از ابتدای کودکی، در کانون خانواده و تحت حمایت و آموزش‌های والدین و به‌ویژه مادران خود فرا می‌گیرند. بنابراین سطح تحصیلات بالای مادر موجب آموزش هرچه بهتر مهارت‌ها و فرآیندهای مذکور شده و به نوبه خود باعث می‌شود که

افراد در دیگر مراحل زندگی به نحو مطلوب تعاملات اجتماعی مناسب با دیگر اعضای جامعه و به دور از انحراف و کجروی داشته باشد.

همچنین با بالاتر بودن میزان درآمد ماهانه، شانس ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان به طور معناداری کاهش می‌یابد یا به عبارت دیگر فقرا و افراد کم درآمد عمده‌تاً قادر به تامین نیازهای ضروری زندگی خود مانند غذا، مسکن و پوشاک نیستند و در این شرایط ممکن است با نقض قوانین و مقررات مرسوم جامعه مبادرت به انجام انواع ناهنجاریهای اجتماعی مانند سرقت، قتل و کلاهبرداری کنند تا از طریق آن کمبودهای خود را جبران نموده و نیازهای خود یا اعضای خانواده را تامین نمایند، به بیان دیگر به نظر می‌رسد زمینه انحرافات اجتماعی مانند ارتکاب به انواع جرایم در مورد فقرا و گرسنگان نسبت به افراد سیر و دارا فراهم‌تر است. نحوه برخورد فردی و اجتماعی با زندانیان پس از بازگشت به اجتماع، نقش اساسی در پیشگیری از جرم و ورود مجدد به زندان دارد و این وظیفه تک تک اعضای جامعه است تا با پذیرش فرد و توجه به این نکته که هیچ انسانی مصون از اشتباه و خطا نیست سهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ایفا نمایند. همچنین در این پژوهش می‌توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به افراد آزاد شده به زندان، طرح و اجرای اصولی طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان در زندان، بهبود شرایط زندان و ارائه خدمات موثر به آن‌ها، پذیرش زندانیانی که آزاد می‌شوند از طرف خانواده‌ها، دوستان و نهادهای اجتماعی و جلوگیری از طرد آن‌ها اقدامات موثری انجام داد. با توجه به نظریه برچسب می‌توان نتیجه گرفت که جامعه، از طریق برچسب‌زدن به مجرمان با سابقه به بازگشت به زندان کمک کرده است، به طوری که برچسب رسمی توسط مقامات رسمی مانند پلیس و قاضی و نیز برچسب اجتماعی مانند طرد از خانواده و دوستان و نیز برچسب وضع ظاهر از سوی مردم و پلیس و برچسب شغلی از سوی کارفرمایان، منجر به واکنشی در فرد مجرم شده که چاره‌ای جز پذیرش تصویر مجرمانه روی آوردن به همگان نداشته و در نتیجه بازگشت به زندان را در پی داشته است. با توجه به نظریه کنترل اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت مجرمان با سابقه کمتر با ارزش‌های جامعه هم‌نوا می‌باشند و در این زمینه تفاوتی بین سابقه‌داران بیشتر و کمتر دیده نمی‌شود و همچنین می‌توان گفت که برچسب خوردگان کسانی هستند که به دلیل طرد از جامعه کمتر با، باورها و ارزش‌ها هم‌نوا شده‌اند لذا این عامل در کنار برچسب توانسته بازگشت به زندان را بهتر پیش‌بینی کند.

پیشنهادها یا کاربردی یا اجرایی

۱. با توجه به این که اکثریت جامعه به افراد زندانی، سابقه‌دار و برچسب‌خورده اصولاً اعتماد ندارند پیشنهاد می‌شود که از طریق وسایل ارتباط جمعی در این مقوله فرهنگ‌سازی به عمل آید تا اعتماد جامعه به زندانیان افزایش پیدا کند، این امر باعث جلوگیری از تکرار جرم و باعث کاهش احتمال بازگشت مجدد به زندان می‌شود.

۲. با توجه به این که در اکثر مواقع خانواده‌ها از پذیرش زندانی پس از زندانی شدن و سابقه‌دار شدن، امتناع می‌کنند، پیشنهاد می‌شود خانواده زندانیان به طور مداوم مورد آموزش قرار گیرند تا با پذیرش

زندانی پس از آزادی و حمایت مادی و معنوی از او، امکان تکرار جرم و بازگشت او را به زندان کاهش دهند. در این راستا لازم است دوره‌های مشاوره و راهنمایی برای خانواده‌های کلیه زندانیان با هدف پذیرش زندانی به طور مداوم و مستمر اجرا گردد.

۳. با توجه به این که محیط زندان می‌تواند در افزایش بزهکاری افراد در اثر تعامل با افراد سابقه‌دار، تاثیر مثبتی داشته باشد، پیشنهاد می‌شود که محیط زندان به لحاظ امور فیزیکی، کارکنان و ... در جهت بهبود وضعیت اصلاح شود تا زندان محلی برای آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش مهارت‌های شغلی و جامعه‌پذیری عمیق‌تر زندانی تبدیل شود. در این راستا لازم است مراکز درمان و بازتوانی اجتماعی به طور رایگان برای زندانیان و خانواده‌ها در درون زندان توسط پرسنل متخصص امر و مشاوره ایجاد شود.

۴. با توجه به این که بیشتر زندانیان بی‌سواد یا کم‌سواد هستند، پیشنهاد می‌شود که برای کلیه مددجویان توسط آموزش و پرورش و بهزیستی کلاس‌های سوادآموزی و تحصیلات تکمیلی ایجاد شود تا جریان جامعه‌پذیری مجدد در بین زندانیان ایجاد شود، بدیهی است این امر، می‌تواند مانع جدی در تکرار جرم و بازگشت به زندان باشد.

۵. از آن جایی که اکثریت زندانیان متعلق به خانواده‌های با سطح اقتصادی پایین هستند، پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از تکرار جرم و بازگشت به زندان از مددجویان پس از آزادی حمایت‌های مالی جدی به عمل آید، بخشی از حمایت‌ها می‌تواند بلاعوض و بخشی دیگر به صورت وام ارائه گردد.

۶. پیشنهاد می‌شود برای افزایش مهارت‌های زندگی و رشد اجتماعی و جامعه‌پذیری عمیق‌تر مددجویان پس از آزادی در کلاس‌های غنی‌سازی روانی و اجتماعی مشارکت داشته باشند تا از این طریق به آنان آموخته شود که چگونه احساسات خود را کنترل کنند، چگونه برای آینده برنامه‌ریزی کنند، چگونه اهداف را طراحی و تصمیم‌گیری نمایند، چگونه در زندگی خود مساله‌یابی و حل مساله نمایند و چگونه در کارهای تفریحی، سرگرمی و ورزش مشارکت کنند تا بتوانند به عنوان عضو جامعه به جامعه باز گردند.

۷. با توجه به این که جامعه‌پذیری مجرمان در زندان یا زندان پذیرش آنان یکی دیگر از مسائل مطرح در امور زندان‌هاست که طی آن یک زندانی با عادات، هنجارها، ارزش‌ها و فرهنگ زندگی در زندان تطابق و همانندی می‌یابد، پیشنهاد می‌شود برای کاهش تاثیر زندان بر مددجویان، در نگاه به مساله بازپروری از روش‌های جایگزین زندان استفاده شود و با تاکید بر روش‌هایی مانند ارائه خدمات به جامعه، آزادی به قید ضمانت، بازداشت خانگی و ارائه مرخصی‌های طولانی‌مدت و ... گذراندن دوران محکومیت را برای مددجویان تلطیف و راحت نمایند تا از احتمال بازگشت آنان به زندان کاسته شود. در کل باید به این باور دست یافت که زندان باید به محل آموزش، اصلاح و بازسازی مجدد روانی و اجتماعی زندانی تبدیل شود تا فرایند بازگشت مجدد زندانی را به جامعه تسهیل نماید.

پیشنهاد پژوهشی

پیشنهاد می‌شود محققان، نقش مدیریت زندان در جلوگیری از بازگشت مجدد زندانیان آزاد شده به زندان را مورد مطالعه قرار دهند.

منابع

- احمد، حبیب. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: نشر سمت. چاپ ششم.
- توسلی، غلام‌علی. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ سیزدهم.
- دلپسند، کامل؛ ایار، علی؛ خانی، سعید؛ محمدی، پریخان. (۱۳۹۱). *حمایت اجتماعی و جرم. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*. دوره اول، صص ۸۹-۱۲۰.
- سروستانی، رحمت‌اله. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- سروستانی، صدیق. (۱۳۷۱). *آسیب‌شناسی اجتماعی، تاثیر زندان بر زندانی*. تهران: انتشارات نور. ص ۵۷.
- سروستانی، عنایت‌اله. (۱۳۸۶). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
- شمس، علی. (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی زندان*. تهران: انتشارات راه تربیت. ص ۲۹.
- شمس، علی. (۱۳۸۲). *رویکردی جدید به نظام زندانبانی بازگشت سعادتمندان*. تهران: انتشارات راه تربیت. ص ۳۱.
- عبدی، عباس. (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص ۲۷.
- عبدی، عباس. (۱۳۸۱). *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره چهارم. شماره ۲.
- کفاشی، مجید؛ اسلامی، عنایت. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان، در استان خراسان شمالی. فصلنامه پژوهش اجتماعی*. سال دوم، شماره چهارم، صص ۷۰-۵۷.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه: ناصر، موفقیان. چاپ اول. تهران: نشر نی.